

Crashed into the Sun

I create playful paintings, which bounce between real life and one that I imagine. Capturing awkward and dark humor moments, which happen at a glance, are the main theme running through my work. I am fascinated by the challenge of creating art without any filter about whatever crosses my mind and tickles my fantasies. In my paintings, characters experience temporary and oppositional feelings such as love and hatred, violence and peace, power and defeat and life and death. The meaning continuously shifts and it never gets fixed. These dual meanings pushed me to depict male –female interaction. There is a blurred line between traditional definitions of man versus woman which result in shifting of Masculinity and femininity between man and woman and vagueness of dominant roles that each character takes on.

Body plays an important role in my work because I observe the world and understand it through it. Illustrating the body not only projects my personal life but also the external world that is made of current political affair and the society. However, making joke with violence has had a big effect on my work, in this series hostility has been tampered by humor with breaking the borders between caricature and painting. For this reason, I incorporate pop culture, Emojis and comic cartoons

By analyzing objects and reassembling them in an abstract form, I intend to create dynamic art works, which also express the progression of time. This technique also allows me to create open forms that continuously convert from one form to another. In my paintings, the spontaneous and forgiving quality of drawing by presence of independent lines allows me to communicate my ideas with these chaotic, funny and discomforting situations that I observe and imagine.

تصادف با خورشید

این مجموعه، نقاشی‌های سرخوشانه‌ای است که بین زندگی واقعی و تخیل‌هایم در حرکت است. ثبت کردن لحظه‌های مضحک تلخ و غیر طبیعی که در یک چشم به هم زدن اتفاق می‌افتد و تصویر کردن هر آنچه به ذهن می‌رسد و باعث برانگیختن تخیل می‌شود، بدون هیچ سانسوری.

در کارهای من شخصیت‌ها احساس‌های متناقض و موقتی را در لحظه تجربه می‌کنند؛ علاقه و بیزاری، خشونت و آرامش و قدرت و بی‌قدرتی. این دوگانگی‌ها من را به تصویر کردن رابطه متقابل زن و مرد علاقه‌مند کرده است. در بسیاری از این کارها مرز مشخصی بین تعریف‌های سنتی «زن» و «مرد» وجود ندارد و به این خاطر شخصیت‌ها از داشتن جنسیت مشخص سرباز می‌زنند و نقش غالب و مغلوب مدام بین آن‌ها عوض می‌شود.

تن نقش مهمی در کارهایم بازی می‌کند. ما با بدن‌مان، جهان اطراف را احساس می‌کنیم و می‌بینیم. تصویر کردن این نقش، نه تنها بازتاب خواسته‌ها و تجربه‌های شخصی، که نشانی از دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی این روزها هم هست. شوخی کردن با خشونت و استفاده از طنز برای جدی نگرفتن آن تم همیشگی کارهایم بوده است اما در این مجموعه چالش اصلی‌ام، شکستن قراردادهای ذهنم در گذشتن از مرز بین نقاشی و کاریکاتور، با استفاده بدون واژه از کارتون، جوک و ایموچی‌ست.

درهم شکستن ابژه‌ها و بازسازی آن‌ها در غالب فرم‌های انتزاعی، به من برای خلق کارهایی پویا که پیشروی زمان را در یک قاب نمایش می‌دهد، کمک کرده است. در عین حال این تکنیک اجازه ایجاد «فرم‌های باز» را می‌دهد که از یک حالت به حالت دیگر در تغییر است. کیفیت بخشنده و خودبه‌خودی طراحی به واسطه حضور مستقل خط در کارهایم باعث خلق موقعیت‌های در هم‌برهم و مفرحی می‌شود که می‌بینم و تخیل می‌کنم.